الف) مفهوم نداشتن جمله «و هو لایدری»

حال برگردیم جاهایی از عبارت که منظور من است را بررسی کنیم و در این مقدماتی که ایشان ترتیب دادهاند، سؤال مطرح کنیم و جلو برویم. ایشان فرمودند: «الرواية دلّ بمفهومه»؛ اولین سؤال این است که این روایت مفهوم دارد یا ندارد؟ درست است که حضرت فرمودند «لایدری»، اما «لایدری» ناظر به متعارف بود؛ یعنی اگر بداند که نیت نمیکند. «ولو أنّ رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوّعا و هو لا يدري و لا يعلم أنّه من شهر رمضان، ثمّ علم بعد ذلك أجزأ عنه»؛ میگویند مفهومش میگوید اگر میدانست یعنی مجزی نیست. خب اگر میدانست مگر دیوانه بود که نیت کند؟! چون میداند که ماه مبارک است.

به عبارت دیگر چرا این جمله مفهوم ندارد؟ همانی است که در اصول الفقه بود که گاهی برخی از شرطها و برخی از چیزهایی که ظاهرش توصیف است، ممدّ موضوع است. موجد موضوع است. در اصول الفقه بود: «ان رزقت ولدا فاختنه»؛ شما میگفتید یعنی اگر ولد ندادند نباید او را ختنه کنید؟! اینکه مفهوم ندارد. «ان رزقت» شرط نیست تا بگوییم مفهومش «ان لم ترزق» است. «ان لم ترزق» دارد میگوید اگر موضوع آمد. اینجا هم حضرت دارند موضوع را میگویند؛ «ولو أنّ رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوّعا و هو لا يدري»؛ یعنی اگر «دری» که هیچ، مثل همه مردم نیت میکند. تمام شد. آن جایی موضوع حرف ما است که لایدری باشد. این از باب متعارفش است که خلافش خلاف متعارف است.

شاگرد: مشکوک میشود.

استاد: «لایدری» در اینجا بهمعنای شبهه است. چون قبلش اصلاً صحبت سوم الشک بود. در سیاق حدیث و فضای آن «لایدری» یعنی شک. این یک سؤال بود که ببینیم اصلاً مفهوم دارد یا ندارد. این قدم اول بود. اما قدم دوم؛

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 10:59:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 11:00:28 توسط ... .